

مبارزه طبقاتی

مردم عراق در اسارت جنگ دیکتاتوری و دمکراسی سرمایه

چهارمین روز جنگ، نرخ برابری نظامی ویرانگر خود کار صدام را دلار کاهش یافت، شاخص بهای حتی به قیمت کشتار وسیع مردم

جنگ غیر عادلانه آمریکا و عراق وارد چهارمین روز خود شده است. در حالی که عراق در میان دود و آتش میسوزد، آرایش دفاعی دیکتاتور عراق و ماشین جنگی دمکرات‌های غربی، بسوی کشتار مردم بیدفاع نشانه رفته است. آمریکا و متحدینش کماکان بر استراتژی جنگ ویرانگر کوتاه‌مدت و مستبد عراق به استراتژی جنگ نامنظم و طولانی‌مدت متکی شده است. طولانی شدن جنگ با عراق برای اقتصاد و سیاست غرب مخاطره‌آمیز است. به همین سبب نیز آشکار شدن استراتژی جنگی عراق، تاثیر مستقیمی بر بازارهای مالی و پولی و بازار نفت نهاد. در



سهام در بازارهای اروپایی سیر نزولی پیمود و قیمت نفت افزایش یافت. در چنین اوضاعی آمریکا خواهد کوشید تا با تکیه بر قدرت

عراق، هر چه زودتر یکسره سازد. نیروهای نظامی عراق نیز با آگاهی به برتری کامل نظامی طرف (ادامه در صفحه ۴)

- سرمایه‌داری یعنی استثمار و کشتار انسان‌ها
- سرمایه‌داری یعنی میلیتاریسم و وحشت دائمی از جنگ
- سرمایه‌داری یعنی بیکاری، آوارگی و بی‌عدالتی
- علیه دول سرمایه‌داری، علیه جنایتکاران دمکرات و اسلامی، علیه تروریست‌های بزرگ و کوچک متحد شویم!

در صفحات دیگر:

۲ خلع سلاح، دروغ جمعی قدرت‌های سرمایه‌داری جهانی

۶ علیه جنگ، علیه سرمایه‌داری

۶ جنگ جناح‌های سرمایه را به جنگی علیه سرمایه تبدیل کنیم

۷ جنبش صلح ابزار دیپلماتیک در رقابت قدرت‌های جنگ‌طلب است

ناسیونالیسم کرد عراق: هم پیمان آمریکا، هراسان از ترکیه

دیپلماتیک آمریکا جهت توافق با برخی کشورهای خاورمیانه، از جمله ایران، بر سر آینده عراق بعهده گرفته‌اند. گفته میشود که این دو حزب هم اکنون در حال سازمان دادن یک ارتش منظم هستند. ارتشی که با حمایت مالی و نظامی بورژوازی غرب بپا شده و احتمالاً بصورت لشکر «مستقل» آمریکا در جنگ آتی با عراق شرکت خواهد کرد. انگیزه تشکیل چنین ارتشی اما تنها به آمادگی جنگی آمریکا محدود نمیشود. (ادامه در صفحه ۳)

جنبش ناسیونالیستی کردستان عراق و دو حزب عمده آن در صف متحدین آمریکا در جنگ آتی با عراق قرار گرفته‌اند. حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان نقش فعالی در تحرکات

«خلع سلاح»، دروغ جمعی قدرت‌های سرمایه‌داری جهانی

آمریکا با شعار «مبارزه با تروریسم و خلع سلاح»، می‌خواهد تا عراق را مبدل به عرصه آزمایش مخوف‌ترین و پیشرفته‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی سازد. فرانسه و آلمان بطرز ریاکارانه‌ای ادعای مخالفت با جنگ دارند. در حالیکه این کشورها نقش فعالی در سازمان دادن جنگ‌های خونین دهه اخیر در آفریقا و اروپای شرقی داشته‌اند. مخالفت اینان با اقدام نظامی یکجانبه آمریکا ریشه در رقابت‌های امپریالیستی دارد. اکنون فرانسه و آلمان با تمام قوا بسوی تجهیز اتحادیه اروپا به نیروی نظامی جهت شرکت فعالتر در جنگ و کشتار امپریالیستی شتافته‌اند.

«مبارزه با تروریسم» و «خلع سلاح» اسم رمز حفظ انحصار در تولید و نگهداری سلاح‌های مرگبار است. دیکتاتورها ضمن کشتار روزمره مردم، گروه‌ها و افراد معترض و مسلح را تروریست می‌نامند. این در حالی است که خود این دولت‌ها بطور بی‌وقفه دست به ترور و آدم‌ربایی در صفوف مخالفین خود می‌زنند. منظور آنان از مبارزه با تروریسم حفظ انحصار برای نگاه داشتن سلاح در دست دولت و یا جناح حاکم است. در کشمکش میان

دول ارتجاعی و ناسیونالیست در سطح بین‌المللی نیز اصطلاح تروریسم ابزار فشار دیپلماتیک به دول ضعیف‌تر است. دولت اسرائیل که یکی از سازماندهندگان ترور و جنایات دهشتناک جمعی علیه فلسطین است، بورژوازی عرب و فلسطین را تروریست می‌خواند. امروز نیز آمریکا با همین ابزار، منتها با تبلیغات و شیوه سازمانیافته‌تری به سراغ خاورمیانه و منابع نفتی آن

منطقه رفته است. این در حالی است که رسانه‌های کشورهای سازمانده جنگ قریب‌الوقوع با عراق، خود رسماً سهم خویش در تسلیح عراق به سلاح‌های شیمیایی را بیان میکنند. همین امر گواه این حقیقت است که سوژه خلع سلاح عراق برای برپایی جنگ، حتی از طرف خود اینان نیز جدی تلقی نمیشود.

بنا به سایت خبری رادیو بی بی سی روزنامه بریتانیایی گاردین پنجشنبه (ششم مارس) نوشت که کارخانه مواد شیمیایی فلوجه در عراق که

آمریکا ادعا می‌کند از آن برای تولید جنگ افزار شیمیایی استفاده می‌شود را شرکتی آلمانی به نام اوده ساخته است که در نزدیکی فرودگاه هیترولندن در بریتانیا استقرار دارد. گزارش رادیو بی بی سی بنقل از روزنامه مزبور می‌افزاید که در سال ۱۹۸۵ مواد و تجهیزاتی برای تولید گاز کلر از بریتانیا به عراق صادر شده و مقام‌های بریتانیایی این موضوع را از آمریکاییها پنهان کرده اند در حالی

جنگ قریب‌الوقوع آمریکا علیه عراق نه بر سر خلع سلاح، بلکه راه حل انحصارهای نظامی و مالی در مواجهه با بحران نظام گنبدیده موجود است.

است که به آنها توصیه اکید شده بوده است که این گاز در تولید گاز خردل کاربرد دارد. سایت خبری بی بی سی در ادامه گزارش خود درباره سلاح‌های شیمیایی عراق به اقدام دولت بریتانیا برای تهیه گزارشی در باره صدور فن‌آوری تسلیحاتی و از جمله تسلیحات شیمیایی از بریتانیا به عراق پرداخته و یادآور میشود که تهیه کننده این گزارش، لرد اسکات، اشاره میکند که از یکی از شعبه‌های شرکتی آلمانی در بریتانیا تقاضای بیمه اعتبار صادراتی به منظور فروش تجهیزات کارخانه تولید کلر به عراق

شده بوده و معاون وزیر بازرگانی بریتانیا با وجود هشدار اکید وزارتخانه‌های خارجه و دفاع، با فروش این تجهیزات به عراق موافقت کرده بوده است.

حتی پیش از افشای چنین جزئیاتی، بر کسی پوشیده نبود که آمریکا، آلمان و انگلیس در تجهیز دولت عراق به صنایع تولید سلاح‌های شیمیایی سهم داشته‌اند. این امر جزئی از رقابت‌های تسلیحاتی روزمره آنان بوده و عراق نیز تنها کشوری نیست که به چنین سلاح‌هایی دسترسی دارد. دسترسی به سلاح‌های اتمی نیز همانند در اختیار داشتن سلاح‌های بیولوژیکی یکی از موضوعات اساسی مدافعین حق انحصار و برخورداری از سلاح‌های کشتار جمعی در تصفیه حساب‌های جناح‌های درون امپریالیسم میباشد.

هم متحدین جنگی آمریکا و هم مخالفین اقدام یکجانبه آمریکا بر این حقیقت واقف هستند که در مناطق معینی از عراق صنایع تولید سلاح‌های بیولوژیکی قرار دارد. صنایعی که خریداران اصلی ابزار و مواد اولیه از شرکت‌های تولید کننده انگلیسی، آلمانی و حتی آمریکایی بوده است. دستگاه‌های امنیتی آمریکا افشای اطلاعات دقیق‌تر در این زمینه را به زمان بعد از اشغال عراق موکول کرده‌اند. زمانی که قرار است تا «اجرای عملیات تجسس» و تهیه رپرتاژهای تکان‌دهنده و مهیج،

(ادامه از صفحه ۱)

ناسیونالیسم کرد . . .

اقدام مسعود بارزانی و جلال طالبانی در تشکیل نیروهای منظم نظامی نشانگر نگرانی اینان از معاملات پشت پرده آمریکا و ترکیه بر سر آینده عراق است. آمریکا ظاهراً در معامله ای با دولت ترکیه برای استفاده نیروهایش از خاک آن کشور برای ورود به عراق، موافقت کرده است تا نیروهای ترکیه نیز از مرز گذشته و وارد شمال عراق شوند. این امر موجب بی‌اعتمادی ناسیونالیست‌های عراق به آمریکا درباره سهم دو حزب مزبور در حاکمیت قومی مذهبی آتی عراق است. روشن است که وجود چنین حاکمیتی منوط بر پایداری

آمریکا به نقش اصلی اپوزیسیون کنفرانس لندن، یا عبارتی منوط بر توافق آمریکا با قدرتهای جهانی و منطقه‌ای حول تحول مسالمت‌آمیز دولتی از بالا در عراق است. اما در



جلال طالبانی

برقراری حکومت نظامی و خارج شدن نیروهای اپوزیسیون از صحنه تا زمان سازمان دادن دولت دست‌نشانده، به تعویق خواهد افتاد. در چنین شرایطی تنها و تنها حضور



مسعود بارزانی

نظامی در منطقه و عراق است که آمریکا را وادار به صرف نظر کردن از برخی نواحی نفت‌خیز عراق می‌کند. هم ترکیه و هم احزاب ناسیونالیست کرد بر این حقایق واقف هستند. بنا

صورت اقدام نظامی یکجانبه آمریکا، قدرتهای جهانی و منطقه ای در قیاس با توانایی نظامی آمریکا قادر به ایفای نقش مهمی در اشغال عراق نخواهند بود. در نتیجه احتمال

به سایت خبرگزاری بی بی سی در روز گذشته، ۲۵ فوریه، احزاب کردستان عراق اعلام کرده‌اند که در مقابل اقدام احتمالی ترکیه مقاومت خواهند کرد. حال این آمریکا است که میبایست میان دو متحد عمده خود، ترکیه و احزاب ناسیونالیست کرد عراق و بویژه دسته‌های تحت رهبری بارزانی که ناحیه هم مرز با ترکیه را تحت کنترل دارند، آنچنان مانور سیاسی را برگزیند که اینان را تا مقطع جنگ و تعیین تکلیف نهایی همراه خود سازد. اما سرانجام یکی از دو متحد خود را از بازی دیپلماسی و دمکراسی کنار گذاشته و استراتژی جنگی خود را برای تصرف منابع نفتی منطقه دنبال خواهد کرد.

مواضع سیاسی قدرتهایی چون

(ادامه در صفحه ۵)

حال این آمریکا است که میبایست میان دو متحد عمده خود، ترکیه و احزاب ناسیونالیست کرد عراق و بویژه دسته‌های تحت رهبری بارزانی که ناحیه هم مرز با ترکیه را تحت کنترل دارند، آنچنان مانور سیاسی را برگزیند که اینان را تا مقطع جنگ و تعیین تکلیف نهایی همراه خود سازد. اما سرانجام یکی از دو متحد خود را از بازی دیپلماسی و دمکراسی کنار گذاشته و استراتژی جنگی خود را برای تصرف منابع نفتی منطقه دنبال خواهد کرد.

(ادامه از صفحه ۲)

خلع سلاح . . .

افکار عمومی جهان را در قبال کشتارهای جنگی ارتش آمریکا و متحدینش و تاراج منابع آن کشور مسخ سازد. «خلع سلاح عراق» دروغ مشترک قدرتهای امپریالیستی است.

جنگ قریب‌الوقوع آمریکا علیه عراق نه بر سر خلع سلاح، بلکه راه حل انحصارهای نظامی و مالی در مواجهه با بحران نظام گندیده موجود است. تازه‌ترین آمارها نشان میدهند که در حال حاضر آمریکا دچار شدیدترین کسر درآمد تجاری در تاریخ خود است. کلیه صاحب‌بنظران سرمایه بر این مسئله توافق دارند که دلیل این کسری درآمد رکود اقتصادی حاکم

بر جهان و پایین رفتن تقاضا برای صادرات آمریکا میباشد. در چنین شرایطی، جنگ عراق سه دستاورد مهم و اساسی را نصیب آمریکا و متحدینش خواهد کرد: اول، تصرف یکی از غنی‌ترین منابع نفتی جهان، دوم ایجاد بازار تسلیحات جدیدی که در عمل کیفیت و کاربری خود را نشان داده‌اند و بالاخره سوم، عقب راندن رقبای جهانی چون فرانسه،

آلمان، چین و روسیه و توقف پیشروی اتحادیه اروپا در انسجام‌یابی درونی و حتی قرار گرفتن اروپا تحت سیطره آمریکا در رابطه با نیازهای آتی نفت.

یکی از نتایج بلافصل اقدامات نظامی آمریکا آزمایش سلاحهای

(ادامه در صفحه ۵)

(ادامه از صفحه ۱)

مردم عراق . . .

مقابل و امکان وقوع تنش های سیاسی میان قدرت های جهانی، در مناطق مسکونی و شهری پراکنده شده تا با تبدیل جنگ منظم به جنگی نامنظم و فرسایشی تلفاتی به مهاجمان ارتش غرب وارد سازند. بدین سان میلیون ها نفر در عراق گروگان جنگ دمکراسی و دیکتاتوری سرمایه گشته اند. توهم جنگ متمدنانه و دمکراتیک، جنگ بدون خونریزی، بتدریج به کابوس جنگ خونین فرسایشی بدل میشود. وهم آفرینی تکنولوژی رسانه ای غرب در آمادگی شهرهای عراق برای پیشواز از چکمه پوشان دمکراسی، جای خود را به اخبار درگیری های خونین داخل شهری داده است. پس از چهار روز، واقعت هولناک قربانیان و ویرانی های جنگ جانشین رویای فتح چند ساعته عراق با تکنولوژی پیشرفته نظامی و «حملات موشکی دقیق» میگردد. پس از چهار روز، جنگ خونین سربازان دمکراسی و دیکتاتوری در شهرها، جانشین توهم فریبکارانه «مارش آرام ارتش متحدین بسوی بغداد» میگردد. ماشین جنگی فاتحان متمدن برای تسخیر چاه های نفت، کلبه های مردم بی چیز را با توپخانه سنگین و موشک های هدایت شونده میکوبند. مناطق

مسکونی و محله های کارگری به بهانه وجود دسته های نظامی عراق، آماج حملات مرگبار ارتش متحدین گشته است. نیروهای نظامی دیکتاتور عراق و دمکرات های غرب، مردم بی دفاع عراق را به گروگان گرفته اند. طبقه کارگر و فرزندان آنان اسیران جنگی دیکتاتوری و دمکراسی سرمایه گشته اند. شهرها و مناطق مسکونی، به میدان جنگ نامنظم نیروهای نظامی صدام و بوش تبدیل شده اند. جنگی دوسویه به کارگران و زحمتکشان عراق و فرزندان شان تحمیل شده است.

رسانه های جمعی در اروپا و آمریکا با انتشار اخبار دستچین شده و هدفمند، با اجرای مناظرات و نمایشات رسانه ای، با سازمان دادن جنبشهای

مسالمت آمیز صلح طلبانه میکوشند تا راه را بر شکل گیری جنبش مستقل ضد جنگ مسدود سازند. علاوه بر ماهواره و رایانه، گردان های مطبوعات دمکراسی، درصفوف نیروهای خط مقدم یا مقرهای جنگی استقرار یافته اند. تصاویر دستچین شده برای تبلیغات جنگی، به نام «اخبار لحظه به لحظه جنگ» بر اذهان مردم اروپا و آمریکا تزریق میشود. حتی منابع خبری قدرتهای جهانی مخالف آمریکا، همچون فرانسه و آلمان، با غلیظ یا رقیق کردن تبلیغات جنگی طرفین درگیر، اهداف دیپلماتیک و رقابت جویانه خود را دنبال میکنند. اهدافی که در پس شعار جنبش صلح کنونی، یعنی توقف جنگ و

بازگرداندن نقش اصلی به سازمان ملل، خلاصه شده است.

ارمغان ارتش دمکراسی، فاتحان پای در خون متمدن، یک فاجعه مرگبار و عظیم انسانی برای مردم عراق است. تنها با نابودی سیستم سیاسی سرمایه، با نابودی دمکراسی و دیکتاتوری است که صدای عدالت و انسانیت بلند میشود. تنها تبدیل جنگ جناح های سرمایه به جنگی علیه سرمایه داری است که نقطه پایانی به یک تاریخ از بازی خون آلود دمکرات ها و دیکتاتورها مینهد.

**علیه جنگ، علیه سرمایه داری.
برای رهایی انسان، برای
سوسیالیسم**

رسانه های جمعی در اروپا و آمریکا با انتشار اخبار دستچین شده و هدفمند، با اجرای مناظرات و نمایشات رسانه ای، با سازمان دادن جنبشهای مسالمت آمیز صلح طلبانه میکوشند تا راه را بر شکل گیری جنبش مستقل ضد جنگ مسدود سازند. علاوه بر ماهواره و رایانه، گردان های مطبوعات دمکراسی، درصفوف نیروهای خط مقدم یا مقرهای جنگی استقرار یافته اند. تصاویر دستچین شده برای تبلیغات جنگی، به نام «اخبار لحظه به لحظه جنگ» بر اذهان مردم اروپا و آمریکا تزریق میشود. حتی منابع خبری قدرتهای جهانی مخالف آمریکا، همچون فرانسه و آلمان، با غلیظ یا رقیق کردن تبلیغات جنگی طرفین درگیر، اهداف دیپلماتیک و رقابت جویانه خود را دنبال میکنند.

(ادامه از صفحه ۳)

ناسیونالیسم کرد . . .

فرانسه و آلمان در سطح جهانی و دولت ترکیه و ایران و احزاب کردستان عراق در سطح منطقه‌ای حکایت از سوق یافتن بحران سرمایه‌داری جهانی بسوی

جنگهای منطقه ای دارد. نقش جنبش‌ها و نیروهای ناسیونالیست در چنین اوضاعی بیش از پیش نمایان میگردد. این جنبش‌ها حتی اگر تحت عنوان مارکسیسم و شعارهای آزادیبخش باشند، جزئی از جنگهای ارتجاعی قدرتهای جهانی بر سر تقسیم بازارها و مناطق هستند.

جایگاه امروزی احزاب ناسیونالیست کرد در آرایش قوا برای جنگ امپریالیستی، آینده احزاب ناسیونالیست ایرانی را در مقابل چشمان ما قرار داده است. نه تنها ناسیونالیست‌های کرد، بلکه ناسیونالیست‌های عرب، ترک و فارس نیز برای احراز مکانی در

جنگ‌ها و کشتارهای آتی سرمایه‌داری بسیج خواهند شد. تنها و تنها جنبش طبقه کارگر و حزب بین‌المللی آن است که میتواند روند بحران کنونی سرمایه بسوی کشتار و ویرانی هولناک را متوقف ساخته و راه سعادت و رهایی بشر را بگشاید.

(ادامه از صفحه ۳)

خلع سلاح . . .

جدید متکی بر آخرین دستاوردهای تکنولوژیکی و در نتیجه شکل‌گیری یک بازار جدید تسلیحات در سایه رقابت‌ها و هرج و مرج نظامی خواهد بود. اهمیت این مسئله تا بدان درجه است که برخی از کارشناسان نظامی دستگاه حاکم بر این نظر هستند که اساسا هدف اصلی جنگ آمریکا علیه عراق آزمایش سلاحهای جدید است. بعنوان مثال، ولادیمیر اسلیچنکو، تحلیلگر روسی مسائل نظامی اظهار میدارد که: «هدف اصلی جنگ عملا بیرون از تفسیرهای مربوط به جنگ قرار گرفته است و کسی مطلبی در باره آن نمی‌گوید. از دید من هدف اصلی این جنگ آزمایش مدل‌های پیشرفته سلاحهای دقتی آمریکا در مقیاس کلان و شرایط واقعی است. این هدفی است که آنها در اولویت قرار داده‌اند و سایر اهداف یا اتفاقی‌اند یا تماما اطلاعات غلط هستند.» وی همچنین

می‌افزاید که «بسیاری از شرکت‌های مجتمع نظامی صنعتی آمریکا حق فروش سلاح‌های دقتی به پنتاگون را دریافت کرده‌اند. شرکت‌های لاکهید، جنرال الکتریک و لورال از این جمله‌اند. اما بسیاری دیگر از شرکت‌های معروف دیگر تاکنون سفارشی نظامی دریافت نکرده‌اند. سود حاصل از



نفتی عراق رقم‌ناچیزی به حساب می‌آید. با توجه به اهمیت مرکزی نفت در اقتصاد غرب، سلطه آمریکا بر منابع نفتی عراق راه را برای بدست گرفتن ابتکار عمل در مقابل رقبای جهانی‌اش، بویژه قدرتهای تازه به میدان آمده اروپایی‌اش باز نظامی آمریکا همچون فرانسه و یا دیگر احزاب صلح‌طلب، بر لزوم خلع سلاح عراق به شیوه مسالمت‌آمیز تاکید می‌ورزند. این یک بالماسکه سیاسی بین‌المللی است. اینها دروغ میگویند.

جنگ قریب‌الوقوع

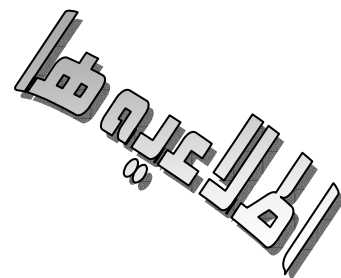
آمریکا با عراق، جنگی است علیه کارگران و مردم، برای رونق بخشیدن به چرخ‌های خون‌آلوده سرمایه به قیمت کشتارها و ویرانی‌های هولناک.

علیه جنگ، علیه سرمایه‌داری

مینماید. علاوه بر آن سیطره مستقیم آمریکا بر کشورهای خاورمیانه چشم‌انداز سمت‌گیری این کشورها بسوی بازار اتحادیه اروپا را تیره‌تر مینماید. مجموعه عوامل موجود میتواند روند افول آمریکا بعنوان قدرت برتر جهان سرمایه که با سقوط بلوک شرق و عروج اتحادیه اروپا تسریع شده بود را به تاخیر اندازد. بدین سان روشن است که

فروش این گونه سلاحها پنجاه الی شصت میلیارد دلار در سال است. «اسلیچنکو هزینه‌های جنگ را حدود صد میلیارد دلار تخمین می‌زند. اما یادآور میشود که برنامه‌نوسازی تسلیحات ارتش آمریکا حدود ششصد میلیارد دلار است.

این مبالغ هنگفت در مقابل منابع



علیه جنگ، علیه سرمایه‌داری

بخشی از دول و احزاب امپریالیستی سازمان داده شده، به همان میزان نیروهای جنگ طلب آن، ارتجاعی است. تنها یک جنبش ضد سرمایه‌داری، جنبشی علیه جنگ خواهد بود. بشر دنیای امروز بار دیگر در مقابل یک دو راهی قرار گرفته است: سوسیالیسم یا بربریت. جنبش صلح باید به جنبش ضد جنگ، به جنبش ضد سرمایه‌داری بدل گردد.

علیه جنگ، علیه سرمایه.
برای سوسیالیسم، برای صلح و رفاه جامعه جهانی انسان، به پیش!

۱۹ مارس ۲۰۰۳

نفت و منابع را در جنگ‌های آتی خاورمیانه طلب می‌کنند. جنبش رادیکال ضد جنگ اما با اقدام مستقیم خود نه فقط صنایع و ترانسپورت، بلکه کل ماشین جنگی و نظامی را متوقف ساخته و به اقدامات انقلابی کارگران و توده‌ها و شکل‌گیری نهادهای انقلابی منجر خواهد شد. جنبش صلح کنونی، ابزار سیاسی جناح‌های سرمایه است. جنبش انقلابی ضد جنگ اما در صورت سازمانیابی خود، جنگ جناح‌های سرمایه را به جنگی علیه سرمایه‌داری تبدیل خواهد کرد. مدافعان صلح و دموکراسی، مدافعان اصلاحات و تمدن نظام موجود به همان میزان جنگ‌طلبان، در جنایات جنگی سهیم هستند. سرمایه‌داری و نهادهای دموکراسی و احزاب آن هیچ چشم‌اندازی جز انجماد ندارند. جنبش صلح‌طلبی امروز که بدست

سیستم سیاسی موجود بوده و در اطراف مراکز سیاسی این سیستم سرگردان خواهد ماند. جنبش واقعی و رادیکال ضد جنگ اما باید در مراکز کار و تولید سازمان یافته و بر ابتکار عمل کارگران و توده‌های مردم و جوانان متکی گردد. جنبش صلح تاکتونی مدافع جناح‌های سرمایه بوده و سخنگویان خود را در پارلمان‌ها و احزاب موجود یافته است. خیزش جنبش ضد جنگ سرمایه‌داری اما در دفاع از منافع استثمارشوندگان بوده و در اولین گام خود چرخ‌های صنعت و ترانسپورت را خواهد خواباند. جنبش صلح کنونی در صورت عبور از سد بورژوازی و مبدل شدن به جنبشی علیه سرمایه‌داری، به اعتصاب و انفجار سیاسی عمومی منتهی خواهد شد. جنبش صلح کنونی نیروی فشار قدرت‌هایی است که سهم بیشتری از

با شدت گرفتن احتمال آغاز جنگ در روزها و شاید نیز در ساعات آتی، موجی از اعتراضات ضد جنگ جامعه را فرا خواهد گرفت. دول و احزاب بورژوا، در هراس از شکل‌گیری حرکات انقلابی، خواهند کوشید تا به مهار و هدایت چنین اعتراضاتی دست زده و آنرا در محدوده جنبش صلح‌خواهی مسالمت‌آمیز بورژوازی محصور سازند. چنین جنبشی اما روی به سوی پارلمان‌ها و نهادهای صلح سرمایه خواهد داشت. این جنبش بوسیله دول و احزاب سرمایه سازمان داده شده و خواهد شد. جنبش صلح کنونی متشکل از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی درون

جنگ جناح‌های سرمایه را به جنگی علیه سرمایه بدل کنیم

خواهد بود. تا ساعاتی دیگر تاسیسات و مراکز مهم صنعتی و خانه‌های مسکونی مردم عراق، آماج حملات هوایی موشک‌ها و ویرانگر آمریکایی قرار خواهد گرفت.

جنگ خانمانسوز و ویرانگری در راه است. تنها و تنها قدرت میلیونی طبقه کارگر در اروپا و آمریکا است

(ادامه در صفحه ۷)

جنگی جهان صادر کرده است. بنا به گزارش خبرگزاری‌ها نیروهای مشترک آمریکا و انگلیس با حدود دویست و شصت هزار پرسنل نظامی آمریکایی و چهل هزار پرسنل انگلیسی در مناطق مختلف مرزی عراق مستقر گشته و بصورت آماده‌باش بسر می‌برند. تا ساعاتی دیگر جهان شاهد آغاز یک فاجعه جنگی، یک جنایت عظیم انسانی

با تعیین ضرب‌العجل چهل و هشت ساعته توسط جرج بوش برای صدام حسین جهت ترک عراق، جان وهستی صدها هزار انسان در خطر مرگ و آوارگی قرار گرفته است. رئیس‌جمهور آمریکا با اعلام «پایان بازی» دموکراسی و دیپلماسی، فرمان آماده‌باش را به هولناک‌ترین ماشین



جنبش صلح ابزار دیپلماتیک در رقابت قدرت‌های جنگ طلب است

زنده باد جنبش ضد سرمایه‌داری بر علیه جنگ

سهیم هستند.

بشر دنیای امروز بار دیگر در مقابل یک دو راهی تاریخی قرار گرفته است: سوسیالیسم یا بربریت. جنبش صلح باید به جنبش ضد جنگ، به جنبش ضد سرمایه داری بدل گردد.

**علیه جنگ، علیه سرمایه.
برای سوسیالیسم، برای
جامعه جهانی انسان، به
پیش!**

۲۰ مارس ۲۰۰۳

احزاب سرمایه سازمان داده شده و روی به سوی پارلمان‌ها و نهادهای صلح سرمایه دارد. جنبش صلح کنونی تحت هدایت نیروهای دولتی مانند جناح‌هایی از سوسیال‌دموکراسی اروپا و احزاب میانه و چپ پارلمان‌ها و اپوزیسیون بورژوازی قرار دارد. این جنبش از بالا سازمان یافته و ابزار مهار اعتراضات کارگری اروپا و آمریکا، در دفاع از پایه‌های نظم موجود است. جنبش رادیکال و ضد سرمایه‌داری بر علیه جنگ باید در مراکز کار و تولید سازمان یافته و بر ابتکار عمل کارگران و توده‌های مردم و جوانان متکی گردد. جنبش صلح کنونی مدافع جناح‌های سرمایه بوده و سخنگویان خود در پارلمانها و احزاب موجود یافته است. جنبش آنتی‌کاپیتالیستی بر

جنگ غیر عادلانه امپریالیستی آغاز شده است. تکنولوژی رسانه‌ای غرب و آمریکا بر کل اخبار و وقایع مربوط به جنگ کنترل دارد. تصاویر ماهواره‌ای و سازماندهی خبرها بگونه‌ای است تا نشان دهد که جنگ کنونی با اتکاء به تکنولوژی پیشرفته و هوشمند نظامی تلفات و ویرانی زیادی در پی نخواهد داشت. رسانه‌های جمعی در اروپا و آمریکا با انتشار اخبار دستچین شده و هدفمند، با اجرای مناظرات تلویزیونی، با سازمان دادن جنبش‌های مسالمت آمیز صلح‌طلبانه، با تمام قوا میکوشند تا راه را بر شکل‌گیری جنبش مستقل ضد جنگ مسدود سازند.

جنبش صلح کنونی، بوسیله دول و

(۱۵۱ امه از صفحه ۶)

جنگ جناح‌های . . .

بر علیه جنگ میتواند به جنایات بی‌پایان جنگی در گوشه و کنار جهان خاتمه دهد.

جنبشی که از طریق نهادهای مستقل مانند کمیته‌های اعتصاب و اشغال محل کار و اماکن عمومی، چرخ‌های صنعت و ترانسپورت را خوابانده و ماشین جنگی را متوقف خواهد کرد.

۱۹ مارس ۲۰۰۳

که میتواند ماشین کشتار جمعی را فلج سازد. قدرت‌های بازنده دیپلماسی جنگ و احزاب راست و چپ سیستم سیاسی موجود میکوشند تا موج اعتراض مردم را به نمایش صلح کاپیتالیسم و ابزار رقابت مدافعان این نظم جهنمی بدل سازند.

تنها یک جنبش ضد سرمایه داری



«تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» به وسیله تعدادی از فعالین جنبش کارگری ایران در تداوم بیش از دو دهه مبارزه علیه سرمایه‌داری و فعالیت پیگیر برای دستیابی به اهداف و مواضع کمونیستی و سرانجام در پی یک دوره مباحثات در گرد نشریه «پیک انترناسیونالیستی» در آوریل ۲۰۰۱ بنیان گذاشته شد. هم اکنون نشریه «مبارزه طبقاتی» به عنوان نشریه سیاسی خبری و نشریه «پیک انترناسیونالیستی» به عنوان نشریه تئوریک جریان ما انتشار می‌یابد. «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» از لحاظ سیاسی خود را مدافع سنن اتحادیه کمونیست‌ها، انترناسیونال اول، جناح چپ انترناسیونال دوم، و بویژه جناح چپ بین‌الملل سوم دانسته و از سنن چپ کمونیستی دفاع می‌کند. سنی که در مبارزه علیه استالینیسیم و نقد مبانی گرایشات فکری دیگری چون مائوئیسم و تروتسکیسم تکامل یافت. «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» برای سازمانیابی کمونیستی کارگران، فعالیت هدفمند نظری جهت اشاعه و بسط مواضع کمونیستی و برای ایجاد حزب انترناسیونالیستی طبقه کارگر فعالیت می‌کند. حزبی که با رهبری انقلاب کارگری در مناطق و کشورهای مختلف نبرد بین‌المللی علیه سرمایه را سازمان داده و برای برپایی جامعه ای عاری از طبقات و استثمار، بری از جهل و فقر و جنگ و دیگر مظاهر سرمایه‌داری مبارزه می‌کند.

Class Struggle

Monthly Organ of
Internationalist Workers Organization

Box 163 / 433 23 Partille
Sweden

Email: info@internationalistworkers.org

www.i-w-o.org

www.internationalistworkers.org

WORKERS OF ALL COUNTRIES, UNITE!

رئوس اهداف و مواضع «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست»

۶- کلیه جنبش‌های ملی عرصه‌ای از کشمکش جناح‌های مختلف امپریالیسم بوده و حمایت و یا شرکت در درگیریهای ملی به معنای شرکت در جنگ‌های ارتجاعی می‌باشد.

۷- معضلات متعدد اجتماعی نظیر ستم‌های جنسی و نژادی جزئی از موجودیت نظام کنونی بوده و دائمی توسط آن بازتولید می‌گردد. ایجاد انجمن‌ها و یا سازمان‌های ویژه که پایه‌های واقعی این معضلات (سیستم سرمایه‌داری) را مورد هدف قرار نمی‌دهند، نه تنها در خدمت حل این معضلات قرار نمی‌گیرد بلکه از طریق تقسیم طبقه کارگر به گروه‌های متفرق جنسی و نژادی، موجب تضعیف مبارزه طبقاتی می‌گردد.

۸- انقلاب اکتبر روسیه با شکست انقلاب آلمان و انزوای حکومت شوراهای و در نتیجه انحطاط حزب بلشویک از طریق تسلط استالینیسیم و سرکوب اپوزیسیونهای چپ و کارگری دچار شکست قطعی شد. در پی انحطاط حزب بلشویک و بین‌الملل کمونیستی، کلیه احزاب چپ و کمونیست در خدمت پروسه ادغام ساختارهای دولتی و اقتصادی قرار گرفته و تبدیل به چپ سیستم سیاسی سرمایه‌داری شدند. برخلاف تبلیغات ضد کمونیستی امپریالیسم غرب، سقوط شوروی سابق

۹- کلیه دول به اصطلاح سوسیالیستی تاکنونی (آلمانی سابق، چین، کره شمالی و کوبا و ...) که از طریق جنبش‌های ملی و توده ای شکل گرفتند، تجلی بحران سرمایه‌داری و نهادهای جناح چپ طبقه حاکم بوده و می‌باشند.

۱۰- کلیه احزاب سوسیال دمکرات، لیبرال و کنسرواتیو مدافع منافع جناح‌های مختلف سرمایه‌داری جهانی و تمامی احزاب استالینستی، مائوئیستی و تروتسکیستی مدافع منافع جناح چپ طبقه بورژوا هستند.

۱۱- حزب طبقه کارگر جانشین طبقه در مبارزه طبقاتی نمی‌گردد. وظیفه حزب نه قبضه کردن قدرت سیاسی به نیابت از طبقه کارگر، بلکه دخالت فعال در مبارزه طبقاتی، ارتقاء طبقه کارگر به طبقه حاکمه از طریق سازماندهی انقلاب کارگری و دفاع از برنامه کمونیستی برای برپایی جامعه نوین انسانی می‌باشد.

۱- سیستم سرمایه‌داری که مرحله رشد صعودی آن تا پایان قرن نوزدهم به طول انجامید با جنگ جهانی اول وارد دوران زوال خود گردید که با تغییر کارکرد سیستم، اشکال بروز بحران و تحول ساختار رونمایی آن توأم بود.

۲- روند ادغام ساختارهای اقتصادی و دولتی به مثابه نمودی از دوران زوال و مفری برای خروج از بحران ساختاری سرمایه، در بعد از جنگ جهانی اول آغاز شد. این روند با فاشیسم در ایتالیا، برنامه نیودیل در آمریکا، برنامه اقتصادی جبهه خلق در فرانسه، برنامه اقتصاد رفاه در انگلیس و بالاخره قدرت‌گیری نازیسم در آلمان و استالینیسیم در روسیه اوج یافت و به صورت گرایش سرمایه‌داری به دولتی شدن در متروپل و پیرامون، در بعد از جنگ جهانی دوم تشدید گردید.

۳- جنگ‌های جهانی اول و دوم به مثابه تنها آلترناتیو برای خروج سرمایه‌داری از بحران‌های گذشته خود در مرحله زوال بود. تداوم بحران دهه هفتاد پس از جنگ جهانی دوم، موجب اوچگیری جدال جناح‌های امپریالیسم جهت دستیابی به بازارهای جدید به صورت جنگ‌های ملی و منطقه‌ای، شکست الگوی سرمایه‌داری دولتی و کاهش نقش دولت در اقتصاد و بالاخره تهاجم گسترده به سطح معیشت طبقه

کارگر گشته است. آینده جامعه بشری در شرایط کنونی در گرو حرکت آتی طبقه کارگر به مثابه تنها نیروی دگرگون‌ساز عصر حاضر و میزان آمادگی سازمانی آن در مقیاس جهانی است.

۴- اتحادیه‌های کارگری که در مرحله اولیه رشد سرمایه‌داری، سازمان‌های مبارزه طبقاتی بودند در عصر حاضر تبدیل به ارگانهای کنترل و به انحراف کشاندن مبارزات کارگری توسط طبقه حاکم و جناح‌های آن شده‌اند. در دوران کنونی امکان بازپس‌گیری این تشکلهای توسط طبقه کارگر و یا اصلاح و تبدیل آنها به سازمان‌های مستقل کارگری از میان رفته است. اکنون به تناسب شرایط و به موازات مبارزات کارگری هیئت‌های نمایندگی، کمیته‌های کارخانه و سرانجام شوراهای کارگری مناسب‌ترین اشکال سازمانیابی مبارزه کارگری میباشد. اعضای این ارگانها انتخابی، قابل‌عزل و همچنین وظایف آن از سوی گروه‌های کارگری تعیین می‌شوند.

۵- شرکت در نمایشات انتخاباتی و پارلمانی در عصر زوال و فروپاشی سرمایه‌داری تحت عناوینی چون «استفاده از تریبون بورژوازی» یا «انهدام انقلابی پارلمان از درون» نهایتاً به تقویت توهومات پارلماناریستی و سردرگمی طبقه کارگر منجر می‌شود.